

بررسی تطبیقی مبانی تربیتی کودکان از دیدگاه روسو و کانت^۱

محبوبه راموز^۲

کارشناسی ارشد، فلسفه تعلیم و تربیت، فرهنگی، دانشگاه فرهنگیان قم، قم، ایران

حسین شریف زادگان^۳

دانشگاه پیام نور کهک، قم، ایران

چکیده

هدف از این مقاله بررسی مبانی تربیتی کودکان از دیدگاه روسو و کانت در دو بخش اهداف و اصول به صورت تطبیقی است. روش مورد استفاده در این مقاله رویکرد تحلیلی است. از نظر روسو هدف تربیت هماهنگی و انطباق با طبیعت است و کانت مهم‌ترین هدف را تحقق تربیت اخلاقی از راه انضباط می‌داند. اصول مشترک شامل تدریجی بودن تربیت، مخالفت با تنبیه بدنی و در نظر گرفتن مجازات به شکل مشاهده نتیجه عمل است. روسو اعتقاد به آزادی در کودکی و تربیت برای زمان حال و پیروی از طبیعت دارد. در نقد این دیدگاه می‌توان بی‌توجهی به آموزش متناسب با رشد کودکان تا سن ۱۲ سالگی و دیدگاه منفی نسبت به جامعه و فاسد دانستن آن را مطرح کرد. درمقابل کانت اعتقاد به حرکت از انضباط به سوی آزادی، توجه به زمان آینده و تشکیل عادات مطلوب از راه اطاعت از بزرگسالان دارد. در نقد دیدگاه وی می‌توان نادیده گرفتن فعالیت آزاد در کودکی را مطرح کرد. در نتیجه در بزرگسالی فرد ناتوان در تصمیم‌گیری و کسب استقلال خواهد بود و دلیل آن روحیه مطیع بودن در کودکی می‌باشد. بنابراین نوعی دیدگاه افراطی در آزادی از نظر روسو و انضباط از نظر کانت وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: آزادی، اصول، تربیت، روسو، کانت.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۳/۱۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۷/۲۰

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): ramooz@yaho.com

۳. پست الکترونیک: hb82b@hotmail.com

مقدمه

دوره‌ی کودکی نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی، اجتماعی و... دارد. افلاطون^۱ تربیتی را پسندیده می‌داند که روح و بدن را از همه زیبایی‌ها و کمالاتی که قابلیت پذیرش آن‌ها را دارد، برخوردار سازد. هربرت اسپنسر^۲ هدف تربیت را تکوین منش می‌داند. هم‌چنین هوراس مان^۳ تنها تربیت را عامل هدایت به سمت لذتی معرفی کرده که از لحاظ کمیت بی‌انتها و از لحاظ کیفیت بی‌نظیر است.^۴ روسو^۵ و کانت^۶ از جمله فیلسوفان بزرگی هستند که در عرصه تعلیم و تربیت فعالیت داشته‌اند. دیدگاه روسو در زمینه تربیت کودکان در کتاب امیل^۷ مطرح شده است. امیل به صورت داستان مطالب گسترده‌ای در رابطه با پرورش کودک، تغذیه، آموزش و طیف وسیعی از جنبه‌های تربیتی کودک از بدو تولد تا بزرگسالی، انتخاب شغل و ازدواج را در بر می‌گیرد. به اعتقاد روسو به کودک نه مانند یک حیوان غیرمنطقی و نه مانند یک انسان کامل و بزرگسال، بلکه باید به عنوان یک کودک نگریست. نظریات روسو در رابطه با کودک باعث شده او را به عنوان عامل تحول در آموزش و پرورش یعنی کودک محوری بدانند.^۸ او در تربیت کودک اعتقاد به تحمیل زور از سوی بزرگسالان ندارد بلکه تربیت را طبیعی می‌داند. در این تربیت امکان شکوفایی همه تمایلات اعم از فکری، عاطفی، اجتماعی و جسمی وجود دارد. در تربیت طبیعی به جای ساختن متربی باید به او اجازه داد خویشتن را بسازد و در کسب تجربیاتش آزاد باشد. کانت که به فیلسوف اخلاق

1. Aflaton

2. Herbert Spencer

3. Horas mann

۴. مایر، فردریک، تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ترجمه علی اکبر فیاض، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۲ش، ص ۱۴.

5. Rousseau

6. Kant

7. Emile

8. Wise, E. J., *The History of Education*, New York, Sheed and War, 1964.

شهرت دارد، در زمینه تعلیم و تربیت اندکی پس از روسو با تأثیرپذیری از کتاب امیل نظریات تربیتی خود را ارائه کرده است. کانت بحث‌هایی را در حوزه تربیت مطرح ساخت که حاصل آن‌ها در کتاب تعلیم و تربیت گردآوری شد. در این کتاب، تعلیم و تربیت به چهار بخش پرورش، تأدیب، آموزش و اخلاق تقسیم شده و یکصد و سیزده نکته‌ی تربیتی در آن مطرح شده است. کانت در کتاب تعلیم و تربیت فراهم آوردن یک نظام تربیتی صحیح را لازمه تکامل آدمی می‌داند. وی عقیده دارد کودکان را نباید برای زمان حال بلکه باید برای آینده‌ای بهتر از حال تربیت نمود. نظام تربیتی کانت دارای دو جنبه تجربی و ارزشی است.^۱ دانایی^۲ به بررسی تربیت منفی^۳ از دیدگاه روسو پرداخته است. وی اصل اساسی که روسو در دستورالعمل‌های آموزشی خود به کار گرفته است را تربیت منفی می‌داند و پایه‌ی تربیت منفی را مفهوم آزادی و کودکی را تام و تمام زیستن عنوان می‌کند. غفاری^۴ در پژوهش خود به بررسی اصل آزادی و انضباط از دیدگاه کانت و روسو پرداخته است، نتایج نشان می‌دهد عدم درک صحیح از مفهوم آزادی موجب نارسایی در عمل تربیتی می‌شود. آقا حسینی^۵ به بررسی مبانی تربیتی از دیدگاه روسو و ابن سینا پرداخته است. از دیدگاه وی در برخی موارد از جمله آزادی روسو حالت افراط

1. Kant, E., *Education*, Annet Churton(tran.), The University of Michigan Press, 1991, p.30.

۲. دانایی، روشنگر، «کاربرد نظریه تربیت منفی روسو در روان‌شناسی جدید»، پژوهشی ادبیات معاصر ایران، دوره ۲۱، شماره ۲، ۱۳۹۵ ش.

3. Negative training

۴. غفاری، ارسلان، «بررسی رابطه آزادی و انضباط در فرایند تربیت از دیدگاه کانت و روسو»، پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، سال اول، ش ۱، ۱۳۹۴ ش.

۵. آقا حسینی، تقی، «مقایسه تعلیم و تربیت کودکان از دیدگاه ابن سینا و ژان ژاک روسو»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۱۹، شماره ۴، ۱۳۹۲ ش.

گونه داشته و ابن سینا حالت تعادل را بیان داشته است. بهشتی^۱ نیز به نقد فلسفه تربیتی کانت پرداخته است و پس از بیان داشتن اصل پاداش و تنبیه و عادت نمودن دیدگاه کانت را به دلیل عدم مرزبندی دقیق مراتب تربیتی چهارگانه و خدشه‌دار بودن نظر کانت در باب آینده‌نگری نقد نموده است. با توجه به فعالیت‌های گسترده این دو فیلسوف در تعلیم و تربیت در این مقاله به بررسی تطبیقی^۲ مبانی تربیتی کودکان از دیدگاه روسو و کانت پرداخته شده است. روش مقاله در نوشتار حاضر رویکرد تحلیلی است که به شکل تحلیل تطبیقی به کار گرفته شده است. براساس بررسی دیدگاه‌های تربیتی هر دو فیلسوف به مقایسه تطبیقی پرداخته و نقاط مشترک و اختلاف آن‌ها هم‌چنین قوت و ضعف دیدگاه‌ها بررسی گردید. این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر می‌باشد:

۱. هدف تربیت از نظر روسو و کانت چیست؟
۲. اصول تربیت از نظر روسو و کانت چیست؟
۳. نقاط قوت و ضعف دیدگاه روسو و کانت در اصول و اهداف چیست؟

اهداف تربیت از نظر روسو

از نظر روسو، کودک به طور طبیعی و ذاتی نیک است و از توانایی خود کنترلی برخوردار است. به این علت روسو توصیه می‌کند طبیعت را ملاحظه کنید و از راهی که طبیعت برای شما مشخص کرده تبعیت کنید.^۳ از نظر روسو بازگشت به طبیعت به معنای فراهم آوردن موقعیت برای تکامل انسان است، وی بر این عقیده است که بشر در طبیعت با صلح و صفا زندگی می‌کرد و از قید و بند آزاد بود، بدنش نیرومند بود؛ زیرا با وسایل

۱. بهشتی، سعید، «تحلیل و نقد بر فلسفه تربیتی کانت با تأکید بر نظریه تربیت اخلاقی وی»، علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره پنجم، سال ۱۶، شماره ۳، ۱۳۸۷ش.

2. Comparative

3. Boyd, W., *Emile For Today*, The Emile of Jean-Jacques Rousseau, London, Heinmann, 1975, p.217.

جدید نحیف نشده بود. او هرگز کسل نمی‌شود و نیازی به تفریحات تصنعی ندارد. او با خویشتن و طبیعت در آرامش و صلح به سر می‌برد از نظر روسو انسان ذاتاً خوب بود ولی جامعه را فاسد می‌دانست و راه دوری از آن را پیروی از طبیعت می‌دانست. بنابراین از دیدگاه روسو انطباق و هماهنگی کامل با طبیعت هدف بزرگ تربیت مطرح گردیده است. روسو اهداف دیگری را نیز برای تربیت بیان کرده است، از جمله رشد قوای جسمانی که لازمه قوت روح است و هر قدر بدن ضعیف‌تر باشد بیشتر به روح فرمان می‌دهد و هر چه قوی‌تر باشد از روح بیشتر فرمانبرداری می‌کند.^۱ روسو رشد قدرت تفکر و اندیشیدن را از جمله اهداف تربیت می‌داند. وی چنین اظهار می‌دارد: «آن‌چه که متربی می‌داند باید به واسطه آن باشد که خودش به دست آورده نه آن‌که شما به او گفته‌اید. به او یاد ندهید بلکه بگذارید با کشف کردن به آن برسد در صورتی که نفوذ کلام خود را جانشین تعقل در ذهن او بسازید، استدلال و تعقل را متوقف خواهید ساخت.^۲ هم‌چنین او عقیده دارد فرد باید قبل از ورود به جامعه شیوه ارتباط اجتماعی مناسب را فرا گیرد. بنابراین روسو رعایت حقوق دیگران را از اهداف دیگر تربیت برشمرده و توصیه می‌کند «شاگردتان را در حد توانش مشغول انجام اعمال خوب قرار دهید و بگذارید که مردم فقیر و محتاج را از خدمتش بهره‌مند سازد».^۳

اهداف تربیت از نظر کانت

کانت تربیت را فنی می‌داند که با جمع شدن تجارب نسل‌های متوالی کامل می‌شود تا استعدادهای ذاتی افراد به‌طور همه‌جانبه رشد یابد و نوع بشر به سوی مقصود خود هدایت گردد. کانت هم‌چنین تربیت را هنر می‌داند و بر این باور است که در میان

۱. روسو، ژان ژاک، امیل یا آموزش و پرورش، ترجمه غلام حسین زیرک زاده، تهران، شرکت سهامی چهر، ۱۳۸۸ش، ص ۵۰.

2. Boyd, *Emile For Today*, p.73.

3. Ibid, p.103.

ابداعات بشر، دو ابداع یعنی هنر کشورداری و هنر تعلیم و تربیت از همه دشوارتر است.^۱ وی رشد استعدادهای آدمی را به صورت خود به خود نمی‌داند و نیاز به راهنمایی را مورد توجه قرار می‌دهد. کانت تمدن^۲ جدید را مورد خطاب قرار می‌دهد. به عقیده وی تمدن جدید نمی‌تواند ضامن خوشبختی شود در حالی که لازمه خوشبختی و سعادت رعایت اخلاقیات است و در تمدن جدید توجه به اخلاقیات مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین تنها راه سعادت تربیت اخلاقی^۳ است. همان‌گونه که اشاره شد کانت در کتاب تعلیم و تربیت از چهار مرتبه پرورش^۴، تأدیب^۵، آموزش و تربیت اخلاقی سخن گفته است. از دیدگاه وی تمامی این مرتبه‌ها مخصوص آدمی است حتی مرتبه پرورش (که به دو بخش پرستاری و تغذیه طفل تقسیم می‌شود) نیز از حیث جنبه پرستاری مخصوص انسان است. هدف از طی نمودن تمامی مراحل تربیت از دیدگاه کانت تحقق انسانیت و تربیت اخلاقی است. کانت به پیشرفت مداوم آدمی و کمال انسانی می‌اندیشید و عقیده داشت نباید کودک را برای زمان حال تربیت نمود بلکه باید برای آینده بهتر تربیت کرد. انضباط و رعایت قوانین از کودکی را لازم می‌داند. تربیت باید فرد را به شهروندی شایسته تبدیل کند. کانت به دنبال دستیابی به رشد همه جانبه‌ای در فرد است که منجر به شکل‌گیری شخصیت سالم از بدو تولد تا زمان مرگ گردد و چنین انسانی به دنبال رشد فردی و جامعه خود می‌باشد. کانت نیز مانند روسو یکی از اهداف تربیت را پرورش تفکر و خرد می‌داند. او معتقد است اندیشیدن را باید آموخت. اولین گام در تربیت آن است که کودک یاد بگیرد درباره هر مطلبی بیندیشید، از سن خردسالی درباره اعمال

۱. کاپلستون، تاریخ فلسفه (از ولف تا کانت)، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵ش، ص ۱۶۶.

2. civilization
3. Moral education
4. Breeding
5. Corruption

زشت خود تفکر نماید و بر اثر تعقل از آن دوری جوید.^۱ به عقیده کانت رشد قدرت تفکر، پرورش استعدادها و رسیدن به سعادت مستلزم وجود مربی است که دارای توانایی تحقق انضباط باشد.

اصول تربیت از نظر روسو

اصل پیروی از طبیعت: یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی روسو اصل پیروی از طبیعت است. روسو عقیده دارد هر آنچه در طبیعت رخ می‌دهد خیر است و در آن خطا و شر وجود ندارد.^۲ بدیهی است وقتی که روسو تا به این حد به طبیعت و ابعاد و جوانب گوناگون تأثیرات آن بر انسان اعتقاد دارد، باید هم از او انتظار داشت که از انسان‌ها بخواهد که تسلیم قوانین طبیعت گردند. روسو معتقد است محیط تربیتی باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد تا بگذارد خوبی و نیکی درونی و توانایی‌های فرد آشکار گردد، به همین دلیل معتقد است که رشد طبیعی بهترین است و هیچ‌گونه تجارب رسمی یا تربیت یافته‌ای نباید به کودک تحمیل شود.^۳ بنابراین وی این چنین اظهار می‌دارد: طبیعت را ملاحظه کنید و از راهی که طبیعت مشخص کرده است تبعیت کنید. طبیعت پیوسته بر تربیت کودکان مشغول است. طبیعت به آن‌ها مفهوم درد و رنج را در سنوات اولیه زندگی نشان می‌دهد. این راه طبیعت است، چرا خود را در مقابل آن قرار دهید؟ آیا نمی‌بینید که در تلاش جهت بهبود کار، شما آن را نابود می‌سازید و تمهیداتی را که طبیعت ایجاد کرده است از بین می‌برید؟^۴ روسو از تربیت طبیعی سخن می‌گوید و آن را تربیتی معرفی می‌کند که طبیعت کودک را در جنبه‌های گوناگون پرورش می‌دهد. روسو

۱. شاتو، ژان، مربیان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ش، ص ۲۰.

2. Wise, *The History of Education*, p.290.

3. Ryan, A. B., *Jean- Jacques Rousseau and Behavior Control: The Technology for a Romantic Behavior*, Guelph, Ontario, Canada, University of Guelph, 1976.

4. Boyd, *Emile For Today*, p.14.

از تربیت منفی سخن می‌گوید و ابعاد آن را بیان می‌دارد. بعد اول تربیت منفی آن است که ذهن و روان آدمی باید تا وقتی که تمام قوا و استعدادهای خود را به دست آورده باشد محفوظ باقی بماند. بر این اساس هیچ‌گونه آموزش و تعلیم فضیلت و حقیقتی به کودک تا حدود سن ۱۲ سالگی داده نشود. بعد دوم تربیت منفی آن است که قبل از سن استدلال و تعقل کودک مفاهیم و ایده‌ها را به درستی درک نمی‌کند زیرا کودکان ناتوان از قضاوت بوده و دارای هیچ‌گونه حافظه واقعی نمی‌باشند. بنابراین باید از آموختن مفاهیم فکری به کودکان تا سن ۱۲ سالگی خودداری کرد و کودکان را از الگوهای نامناسب دور نگه داشت تا موجبات فساد آن‌ها فراهم نشود.^۱ بر این اساس منظور روسو از تربیت منفی آن است که آدمی به صورت طبیعی خوب است. مادام که چیزی از خارج او را به فساد نکشاند است. روسو عقیده دارد باید راه ورود بر معایب را بست و قلب انسان را پاک نگه داشت.^۲ بنابراین روسو هدف از تربیت منفی را این‌گونه بیان داشته است: «مراد از تربیت منفی، تربیتی است که قبل از دادن معلومات سعی می‌کند اندام‌هایی را که وسیله کسب معلومات هستند دقیق‌تر سازد. تربیتی که از راه ورزیدن حواس، کودک را برای تعقل آماده نماید. تعلیم و تربیت منفی به کسی فضایل اخلاقی نمی‌دهد ولی از معایب جلوگیری می‌کند. کودک را از اشتباه حفظ می‌کند. وقتی کودک به سن تمایل به حقیقت برسد آن‌چه که برای درک حقیقت لازم است به او می‌آموزد و وقتی به سن تمایل به خیر - برسد آن‌چه را که برای تشخیص خیر لازم است طبیعت در اختیارش می‌گذارد.^۳

اصل مجازات و پاداش طبیعی: منظور روسو از اصل فوق آن است که هرگز نباید کودکان را مجازات^۴ نمود، بلکه باید همیشه مکافات یا پاداشی^۵ را که می‌بینند نتیجه

1. Boyd, *Emile For Today*.

۲. شاتو، مربیان بزرگ.

۳. همان، ص ۱۹۶.

4. Punishment

5. reward

مستقیم و طبیعی کار نادرست یا کار خوبشان باشد.^۱ به عبارتی دیگر روسو معتقد است که انسان هرگز در تربیت خردسالان نیاز به مجازات ندارد زیرا برای هر عملی تنبیه طبیعی وجود دارد. کودکی که سیب فاسد می‌خورد دچار دل درد می‌شود، طفلی که به آتش نزدیک می‌شود آسیب می‌بیند، در واقع کودک نتیجه عملکرد خود را به صورت طبیعی دریافت می‌کند و برای هر رفتار نامطلوب مجازات طبیعی متناسب با آن وجود دارد. بر این اساس روسو نیز امیل را به گونه‌ای پرورش می‌دهد که تنها مجازاتی که می‌شناسد نتیجه عمل خود است، چنان که اگر شیشه پنجره را بکشد بهتر است از سرما بر خود بلرزد تا بر کرده نامطلوب خود پی ببرد.^۲

اصل تدریجی بودن تربیت: به عقیده روسو خودداری از عجله در تربیت به معنای اتلاف وقت نیست، باید اجازه داد تا طبیعت در زمان لازم آن‌چه را که لازم است به فرد بیاموزد. روسو چنین اظهار داشته است: «آیا می‌توانم به خود جرأت دهم بزرگ‌ترین و مهم‌ترین قاعده پرورش را اعلام نمایم؟ این قاعده آن است که در رشد انسان نباید در وقت صرفه‌جویی کرد بلکه لازم است حداکثر وقت را صرف آن نمود» و باز در ادامه می‌گوید: «برای جلوگیری از بروز بدی و انجام نیکی عجله نکنید و بگذارید طبیعت کار خود را انجام دهد و در کار آن زودتر از موقع دخالت نکنید».^۳ این سخنان حاکی از آن است که باید در فرصت لازم اجازه داد تا رشد طبیعی مسیر خود را طی کند و هرگونه شتاب و عجله موجب انحراف در تربیت خواهد شد. این سخنان به معنای بیهوده بودن آموزش و پرورش کودکان نیست، بلکه تنها قصد آن بیان این موضوع است که آموزش کودکان باید با هر یک از مراحل رشد طبیعی او سازگار باشد.^۴

۱. روسو، امیل یا آموزش و پرورش.

۲. شاتو، مربیان بزرگ.

۳. سمیعی، احمد، «باز خوانی اصول تعلیم و تربیت در نظام فکری روسو»، ماهنامه آموزش و پرورش، سال دوم، دوره ۴۵، باز چاپ ۱۳۸۸، رشد معلم، ش ۲، ۱۳۵۴، ص ۱۴۹.

۴. روسو، امیل یا آموزش و پرورش، ص ۱۲۸.

اصل توجه به زمان حال: از نظر روسو باید به کودکان اجازه بدهیم آزادانه فعالیت کنند و از زندگی خود لذت ببرند. او معتقد است این اشتباه بزرگی است که در دوران کودکی ذهن را با انواع مفاهیم انتزاعی انباشته کنیم. باید کودک را رها کرد تا از کودکی خود لذت ببرد. به همین دلیل مریانی که برنامه خیالی آنان این است که امیال ناپسند انسان را در سن کودکی تصحیح کنند تا مانع بروز در سن بلوغ شوند مورد شماتت روسو قرار می‌گیرند.^۱ دستورالعمل‌هایی که به تصور آنان مناسب است و به کودک تحمیل می‌شود ممکن است در آینده نه تنها مفید نباشد بلکه زیان هم داشته باشد. پرورش کودک برای آینده‌ای مطلوب از طریق آموزش انضباط زود هنگام در واقع جلوی رشد آنان را می‌گیرد. کودکان پیش از آن که تبدیل به انسان‌های بالغی شوند، باید دوران کودکی را به روال طبیعی آن بگذارند. در سنی که کودک استدلال را درک نمی‌کند عقل و منطق برای او فایده‌ای ندارد و تنها به محرومیت او از آزادی و از لذتی که حق دارد در این سن تجربه کند منجر خواهد شد. چنانچه روسو چنین بیان داشته است «هیچ کس حتی پدر کودک، حق ندارد آن‌چه برای کودک سودمند نیست به او تحمیل کند».^۲

اصل آزادی کودک: دغدغه‌ی اصلی روسو مسئله آزادی است و از وابستگی انسان بیشترین ترس را دارد. به عقیده وی باید به قدر کافی آزادی در اختیار متری بگذاریم تا خود تجربه کند. هنگامی که کودک را آزاد می‌گذاریم، او فرصت خواهد داشت شخصیت خود را بروز دهد و ما فرصت خواهیم داشت که شخصیت او را بهتر مشاهده کنیم.^۳ در واقع روسو شیوه تربیت را از آزادی به سمت انضباط می‌داند. او عقیده دارد که باید به کودک آزادی داد تا در سایه آن رشد کند و به تدریج پس از طی نمودن رشد طبیعی

۱. دانایی، روشنگر، «کاربرد نظریه تربیت منفی روسو در روان‌شناسی جدید»، پژوهشی ادبیات معاصر ایران، ص ۲۳۷.

۲. روسو، امیل یا آموزش و پرورش، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۸۴.

به سمت انضباط پیش برود و در بزرگسالی فردی منضبط بشود. روسو مخالف اعمال سخت‌گیرانه در تربیت است و به آزادی طبیعی در تربیت متربی تأکید دارد. روسو می‌خواهد امیل با حداقل موانع ممکن تربیت شود. او بر اساس علائق و از طریق تجربه به امیل می‌آموزد و موضوعات را به وی تحمیل نمی‌کند. از نظر روسو اگر امیل به طور صحیح تربیت شود، به فردی آزاد مسئول و مهربان تبدیل خواهد شد و باید به او اجازه داد که تربیت خود را هدایت کند. در جریان تربیت معلم فردی تسهیل‌گر و هدایت‌کننده است. روسو عقیده دارد خود کودک باید زندگی را بیازماید و نباید معلومات کتابی را به او تحمیل کرد.^۱

اصول تربیت از نظر کانت

اصل تشکیل عادات مطلوب: از نظر کانت تشکیل عادات در کودکان ضرورت دارد، اما این سخن به معنای لزوم وجود عادت در تمامی مراحل زندگی نیست، کانت ایجاد عادات را تا مرحله تأدیب لازم می‌داند. به عقیده وی از همان سال‌های اولیه زندگی باید به کودک انضباط را آموخت و از آزادی بیش از حد خودداری نمود. به عبارتی کانت از انضباط به سمت آزادی حرکت می‌کند. هدف تربیت از نظر کانت سعادت و کمال در آینده است و کودکان لزوم این مفهوم را درک نمی‌کنند. بنابراین پدر و مادر و مربی کودک را در این مسیر هدایت نمایند، به همین دلیل باید کودکان را به انضباط عادت داد. کانت آزادی محدود در سال‌های اولیه و فراگیری انضباط را در نظر دارد. وی معتقد است زمانی که قدرت تفکر انتزاعی در انسان شکل گرفت و توانایی استدلال را کسب نمود دایره آزادی گسترش می‌یابد. در نتیجه عادات نیز کم رنگ می‌شود، برای مثال کانت درباره تنظیم برنامه استراحت کودکان می‌گوید: «حیوان‌ها وقت معینی می‌خوابند و آدمی هم

۱. غفاری، «بررسی رابطه آزادی و انضباط در فرایند تربیت از دیدگاه کانت و روسو»، پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۱۰۳.

باید به وقت معینی خو بگیرد تا کنش‌های بدنش دچار اختلال نشود.^۱ از سوی دیگر کانت برای تربیت اخلاقی اهمیت زیادی قائل است. وی خاطر نشان می‌سازد که نباید اهمیت تربیت اخلاقی را نادیده گرفت. کودک باید طوری تربیت شود که ضمن استقلال با روشی اخلاقی بار بیاید. اخلاقی بار آوردن کودک بیانگر تربیت ذهن به گونه‌ایی است که فقط هدف‌های خوب را برگزیند. اگر برای اعمال کودکان محدودیت قائل نشویم و تشکیل عادات مطلوب را به تعویق بیندازیم در سرتاسر زندگی خود گرفتار نوعی ناهنجاری^۲ خواهند شد. کانت معتقد است که اعمال کودکان باید کنترل شود.^۳

اصل حذف پاداش و محدودسازی تنبیه: در فلسفه کانت ابزارهای بیرونی مانند پاداش و تنبیه اهمیت چندانی ندارد. وی عملی را واجد ارزش و اهمیت می‌داند که به منظور ادای تکلیف انجام شود عمل کردن طبق قانون و احترام به قانون مبنای تکلیف اخلاقی می‌داند. از نظر کانت پاداش دادن به کودکان خوب نیست، پاداش آنان را خودخواه بار می‌آورد. اگر بیش از اندازه به پاداش دادن تکیه کنید به صورت شرطی شدن چیزهایی را می‌آموزند که پشتوانه ندارد. یادگیری مؤثر آن است که از انگیزه درونی استفاده کنیم، هم‌چنین در رابطه با تنبیه عقیده دارد تنبیه نباید صورت بگیرد و به‌ویژه تنبیه مادی. اگر هم کودک بر ضد قوانین عمل نمود تنبیه باید اخلاقی باشد، برای مثال وقتی کودکی دروغ می‌گوید، نگاهی تند به عنوان تنبیه کفایت می‌کند. اما تنبیه مادی به معنای نادیده گرفتن خواسته‌های کودک یا در معرض آزار قرار دادن است. این نوع تنبیه هرگز نباید مورد استفاده قرار بگیرد.^۴

اصل تدریجی بودن تربیت: از نظر کانت انتظاراتی بیش از حد و غیر واقع بینانه از کودک رشد کودک را با اختلال روبه‌رو می‌سازد. وی در این باره می‌گوید: «نخستین و

۱. همان، ص ۳۱.

2. Anomalies

۳. مایر، تاریخ اندیشه‌های تربیتی.

۴. کانت، درس‌های فلسفه اخلاق، ترجمه منوچهر صانعی، تهران، انتشارات نقش و نگار، ۱۳۸۰ش، ص ۵۶.

مهم‌ترین قاعده این است که حتی الامکان از هرگونه وسایل کمکی مصنوعی^۱ صرف نظر شود. استفاده از وسایل کمکی سرعت طبیعی رشد را زایل می‌کند، برای مثال برای پیدا کردن راه خود در جنگل به جای این‌که از موقع خورشید در روز و از محل ستارگان در شب استفاده کنیم، قطب نما را به کار می‌بریم.^۲ کانت معتقد است آموزش‌هایی که از دوران کودکی ارائه می‌شود باید متناسب با توانایی ذهنی کودکان باشد و از انباشت مفاهیم انتزاعی^۳ خودداری نمود. آموزش باید به شکل هرمی باشد یعنی از ساده به پیچیده انجام شود، این سخن به این معنا است که با توجه به تدریجی بودن رشد ذهنی در کودکان آموزش از مفاهیم از ساده به پیچیده صورت گیرد.^۴ کانت درباره یادگیری مهارت‌های بدنی هم‌چون راه رفتن، استفاده از وسایل مصنوعی را منع و یادگیری طبیعی^۵ را توصیه می‌کند: کودکی که تحت تعلیم با وسایل قرار می‌گیرد، در مقایسه با کودکانی که خودشان راه رفتن را یاد گرفته‌اند، با اطمینان کمتری راه می‌رود.^۶

اصل توجه به آینده: از دید کانت در بیشتر جوامع سازگاری با وضع موجود هدف تربیت قرار می‌گیرد. در حالی که هدف از تربیت باید بهبود وضع آدمی باشد. به عبارت روشن‌تر انسان را به گونه‌ای پرورش دهیم که هرگاه بزرگ شد بتواند وضع جامعه را بهتر کند نه این‌که خودش را با وضع جامعه سازگار نماید. از نظر کانت پدر و مادری موفق‌تراند که بخواهند فرزندشان بهتر از خودشان شود نه این‌که مثل خودشان باشد. کانت می‌گوید: «پرورش مناسب پرورشی است که توجه به حال ندارد بلکه به آینده توجه دارد».^۷ یکی از اعتراضات کانت به نظام تربیتی عصر خود آن است که والدین، کودکان

1. artificial

۲. کانت، درس‌های فلسفه اخلاق، ص ۴۷.

3. Abstract concepts

۴. کاپلستون، تاریخ فلسفه (از ولف تا کانت).

5. Natural learning

۶. همان، ص ۲۷.

۷. کانت، درس‌های فلسفه اخلاق، ص ۴۸.

خود را متناسب با شرایط و اوضاع زمانه خویش تربیت می‌کنند، درحالی که ممکن است جامعه وضعیت مطلوبی نداشته باشد، بدین ترتیب ما به این اصل می‌رسیم که کودکان را نباید برای زمان حال بلکه باید برای آینده‌ای بهتر که برای نوع بشر ممکن باشد تربیت نمود. پس در تعلیم و تربیت باید نوع بشر و نمونه کامل انسانیت را مدنظر قرار داد و هرگز نباید در امر تربیت به پرورش افراد هوشمند و زیرک قناعت کرد، بلکه باید تلاش نمود تا اشخاص آراسته به اخلاق شوند. وظیفه هر نسلی است تا به سوی کمال انسانی گام بردارد و استعدادهای طبیعی انسان را به نحو موزون و هماهنگ و به شکلی که مصلحت است شکوفا سازد. نظام تربیتی هنگامی موفق خواهد بود که هر نسل چیزی بر تجارب خود بیفزاید و سپس آن را به نسل بعد منتقل کند.

اصل انضباط و آزادی: کانت عقیده دارد در دوران کودکی آزادی باید تحت نظم و قوانین باشد. فرد با طبیعت خود قادر به اجرای قوانین نیست. از این رو وظیفه پدر و مادر و مربی است که با تعیین محدودیت‌های عقلانی امکان استفاده صحیح از آزادی را برای فراگیران فراهم آورند. چنانچه قبلاً اشاره شد لازمه انضباط عادت دادن کودکان است. کانت چنین توصیه نموده است: «تربیت باید کودک را از سستی حفظ کند این منظور با عادت دادن کودکان به سختی که نقطه مقابل سستی است حاصل می‌شود».^۱ کانت تربیت آدمی را از فروترین مرتبه یعنی انضباط شروع کرده و به تربیتی که خود او را برخوردار از فرهنگ و تمدن می‌داند می‌رسد و در نهایت به تربیت اخلاقی که مبتنی بر کشف آزادانه قوانین اخلاقی از درون وجدان است هدایت می‌کند. کانت به این عقیده است که شکوفایی استعدادها و توانایی‌های طبیعی انسان بر خلاف حیوانات خود به خود انجام نمی‌گیرد، بلکه کوشش و آگاهی و تأکید بر وظیفه و اخلاق در این امر ضروری است. اگر آدمی به آزادی خو بگیرد همه چیز را فدای آن می‌کند و فردی که انضباط ندارد و از آغاز کودکی لجام گسیخته بار آمده است، برای تن دادن به هر هوسی

۱. کانت، درس‌های فلسفه اخلاق، ص ۲۹.

آمادگی دارد. وی انضباط را از نخستین گام‌های تربیت می‌داند و حتی انضباط را از لحاظ تقدم برتر از فرهنگ می‌داند و عقیده دارد که انسان بی فرهنگ خام و خشن است اما بی فرهنگی را می‌توان جبران کرد، در حالی که بی انضباطی جبران‌ناپذیر است. کانت انضباط را به معنای اعمال خشونت نمی‌داند. وی معتقد است دو نوع آزادی وجود دارد آزادی حیوانی و آزادی اخلاقی، به نظر وی عشق به آزادی حیوانی چنان در طبع آدمی قوی است که وقتی یک بار به آزادی خو گرفت هرچیزی را به خاطر آن فدا می‌کند.^۱ اصول از نظر کانت و روسو در جدول زیر ارائه شده است:

جدول شماره ۱: اصول از نظر روسو و کانت

کانت		روسو	
از همان سال‌های اولیه زندگی باید به کودک انضباط را آموخت و از آزادی بیش از حد خودداری نمود.	تشکیل عادات مطلوب	پرورش تن و روح به صورت طبیعی و به دور از انتقال تجربیات دیگران در سال‌های اولیه (تا ۱۲ سالگی)	پیروی از طبیعت
پاداش و تنبیه بیرونی معنا ندارد و احساس مسئولیت کودک باید پرورش یابد.	حذف پاداش و محدودسازی تنبیه	برای هر رفتار نامطلوب مجازات طبیعی وجود دارد در نتیجه نیازی به تنبیه بدنی نیست.	مجازات و پاداش طبیعی
آموزش متناسب با توانایی ذهنی کودکان	تربیت تدریجی	از شتاب و آموزش زود هنگام خودداری شود.	تربیت تدریجی
هدف تربیت بهبود وضع آدمی است.	توجه به آینده	کودک باید فعالیت آزادانه داشته باشد و از فعالیت در زمان حال لذت ببرد.	توجه به زمان حال
آزادی باید تحت نظم و	انضباط و آزادی	فراهم کردن موقعیت	آزادی

<p>قوانین باشد و محدودیت‌های عقلانی توسط والدین و مربیان اعمال شود.</p>		<p>برای این‌که کودک فعالیت کند و تجربه کسب نماید.</p>	
---	--	---	--

نتیجه

با توجه به سؤالات بررسی یافته‌ها صورت پذیرفت و نتایج زیر حاصل شد: روسو و کانت هر دو به دنبال تحقق سعادت در زندگی هستند. از نظر آن‌ها باید کودکان را به انجام کارهای نیک تشویق کرد و حقوق شهروندی مورد احترام قرار بگیرد و قوانین جامعه رعایت شود. راه رسیدن به عدالت در جامعه و تحقق سعادت از دیدگاه روسو پیروی از طبیعت است. روسو معتقد است برای رهایی از فساد جامعه باید دوران کودکی از طریق پیروی از طبیعت سپری شود و سپس فرد وارد جامعه گردد، درحالی که از دیدگاه کانت رسیدن به سعادت از طریق پرورش قدرت تفکر و شکل‌گیری انضباط از دوران کودکی می‌باشد و لازمه دوری از اعمال زشت حضور مربی است که توانایی تحقق انضباط در فرد را داشته باشد. با بررسی آراء روسو درباره تعقل درمی‌یابیم که وی اصل اساسی در رسیدن به تعقل را از طریق پیروی از طبیعت و خودداری از انباشت مفاهیم انتزاعی در ذهن کودک می‌داند. روسو عقیده دارد تا سن ۱۲ سالگی نباید به کودکان مفاهیم و موضوعات استدلالی آموزش داده شود. درحالی که در مراحل رشدی کودکان تا این مرحله، مراحل پیش عملیاتی و عملیاتی (مراحل رشد پیاژه) را پشت سر گذاشته‌اند و از توانایی انتخاب و منطق استقرایی و دلیل آوردن برای کارهای خود برخوردار هستند کودک قادر است عملیات ذهنی انجام دهد، تفکر استقرایی دارد، تفکر کودک مجهز به عمل بازگشت‌پذیری و نگهداری ذهنی می‌شود. عقاید کانت درباره‌ی پرورش قدرت تفکر نشان می‌دهد از نظر وی از دوران کودکی باید فرد را به پیروی از دستورات عقل عادت داد. کانت در پرورش قدرت ذهنی روش سقراطی را توصیه می‌کند یعنی استنتاج

اندیشه‌های کودکان که مبتنی بر عقل است. نظرات روسو درباره آزادی نشان می‌دهد وی به فعالیت آزاد کودکان توجه دارد و توصیه می‌کند کودکان را آزاد بگذاریم تا خویشتن را بسازند و از طریق تجربه کردن اندیشیدن را بیاموزند، در حالی که کانت نیز به آزادی توجه دارد، اما معتقد است در ابتدا کودکان را باید به صورت منضبط پرورش داد تا در دوران جوانی پس از سپری کردن دوران تأدیب و با کم رنگ‌تر شدن عادت، آزادی اخلاقی پرورش یابد. به عبارتی کانت از انضباط به سوی آزادی می‌رود و روسو از آزادی کودک به سمت فراگیری انضباط و حقوق دیگران پیش می‌رود. بررسی دیدگاه این دو فیلسوف نشان می‌دهد حالت افراط و تفریط در بحث آزادی وجود دارد پیروی از طبیعت و آزادی داشتن برای کودکان چنانچه روسو مطرح کرده، لازم است، اما نه به شکلی که هیچ‌گونه آموزشی وجود نداشته باشد و مانند امیل تا ۱۲ سالگی از جامعه دور باشد. چنانچه کانت انضباط را لازم می‌داند و طبق نظر وی عادت نمودن کودک لازم است. اما کانت نیز حالتی تفریطی در پیش گرفته و کودک را بدون در نظر گرفتن طبیعت آزاد صرفاً به پیروی از دستورات ملزم می‌داند. حالت اعتدال یعنی در نظر گرفتن آزادی و تا حدودی انضباط بهترین شکل در تربیت کودکان است. تأکید بیش از حد کانت بر انضباط برخلاف طبیعت آزاد کودکان است تحمیل و عادت دادن کودکان و با نظارت همیشگی پدر و مادر و مربیان به معنای صحیح شکل گرفتن شخصیت آنان برای تبدیل انضباط و عادت به آزادی در بزرگسالی نیست و تضمینی وجود ندارد که پس از محدودیت آزاد گذاشتن در بزرگسالی زمینه تجربه آن‌چه در کودکی بد دانسته شده نباشد و شاید در این مرحله به دلیل برخوردار نبودن از آزادی در کودکی شیوه استفاده از آن را در بزرگسالی ندانند. از سوی دیگر عادت کردن به اطاعت محض از والدین باعث می‌شود در بزرگسالی توانایی استقلال و تصمیم‌گیری به شکل ضعیفی دیده شود. هم‌چنین احتمال خطا در بزرگسالی بیشتر است. آقا حسینی^۱ دیدگاه افراطی روسو در بحث آزادی را مورد

۱. آقا حسینی، «مقایسه تعلیم و تربیت کودکان از دیدگاه ابن سینا و ژان ژاک روسو»، پژوهش‌های اجتماعی

نقد قرار داده است. آراء روسو درباره‌ی اصل مجازات و پاداش نشان‌دهنده این است که وی مخالف تنبیه بدنی است. از نظر روسو هر فردی که خطا کرده نتیجه خطا را به صورت طبیعی دریافت می‌کند و هرکس کار صحیحی انجام بدهد نتیجه خوبی به صورت طبیعی دریافت می‌کند، برای مثال شخصی که با چاقو دستش زخمی شده است نتیجه طبیعی که درد است را دریافت کرده است. عقیده وی بر پاداش و تنبیه به شکل طبیعی و در نتیجه خود اعمال است. کانت نیز مخالف تنبیه بدنی است و چنین بیان داشته در صورت تنبیه باید تنبیه اخلاقی صورت بگیرد، پاداش دادن را نیز نوعی شرطی - سازی رفتار می‌داند که باعث منفعت طلبی فرد می‌گردد. دیدگاه هر دو فیلسوف تربیت در حذف تنبیه بدنی صحیح است اما بی توجهی به اصل پاداش باعث نقص در نظر تربیتی آنان می‌شود پاداش در تمام سنین به ویژه کودکی منجر به لذت بردن از انجام آن عمل و تسهیل روند تربیت و فعالیت‌ها می‌گردد. روسو معتقد است سال‌های اولیه زندگی باید به دور از قوانین تعیین شده در جامعه و به دور از هرگونه آموزشی صورت بگیرد تا کودک قبل از ورود به جامعه برای مدتی از مفاسد بندگی اجتماع دور بماند، به همین دلیل امیل تا قبل از بلوغ از طبیعت پیروی می‌کند و دیگران حق القا هیچ فکر و آموزشی به او ندارد، اما روسو طبیعت انسان را خوب و جامعه را فاسد می‌داند درحالی‌که سعی بر دور کردن امیل از جامعه دارد از این نکته غفلت کرده که در نهایت امیل وارد این جامعه می‌شود و از آن تأثیر می‌پذیرد و تأثیر می‌گذارد و در همین جامعه و با دختری که در این جامعه بزرگ شده ازدواج می‌کند بنابراین راه حل دوری از جامعه نیست و این نوعی فرار از مواجهه با مشکل است. با تربیت صحیح در عین مواجهه با شرایط مختلف جامعه می‌توان در شرایط مختلف پاکی درون را حفظ نمود. آموزش باید متناسب با رشد کودک از آسان به پیچیده صورت بگیرد. از نظر روسو و کانت تربیت فرایند تدریجی دارد و در آموزش کودکان نباید شتاب زده برخورد نمود. نظر کانت مبنی بر فعال بودن اولیا و

مربیان در تربیت کودک امروزه مورد توجه است اما نقش والدین و مربیان نباید به شکل تحمیل صورت گیرد، بلکه حضور آنان باید در قالب هدایت‌کننده باشد. روسو فعالیت آزادانه کودک را در نظر می‌گیرد و معتقد است باید به زمان حال توجه نمود و از برخورد عجولانه با کودک خودداری نمود ولی کانت بیشتر به تربیت کودک با توجه به وضع آینده نظر دارد به همین دلیل هر چه زودتر فراگیری انضباط را ضروری می‌داند، در حالی که اگر دوران کودکی با توجه به خصوصیات همان دوره سپری شود نتیجه مطلوب‌تری در آینده کسب می‌شود و نادیده گرفتن این دوران به بهانه ساختن آینده پسندیده نیست.

منابع

- آقا حسینی، تقی، «مقایسه تعلیم و تربیت کودکان از دیدگاه ابن سینا و ژان ژاک روسو»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۱۹، شماره ۴، ۱۳۹۲ ش.
- بهشتی، سعید، «تحلیل و نقد بر فلسفه تربیتی کانت با تأکید بر نظریه تربیت اخلاقی وی»، علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره پنجم، سال ۱۶، شماره ۳، ۱۳۸۷ ش.
- دانایی، روشنک، «کاربرد نظریه تربیت منفی روسو در روان‌شناسی جدید»، پژوهشی ادبیات معاصر ایران، دوره ۲۱، شماره ۲، ۱۳۹۵ ش.
- روسو، ژان ژاک، امیل یا آموزش و پرورش، ترجمه غلام حسین زیرک زاده، تهران، شرکت سهامی چهر، ۱۳۸۸ ش.
- سمیعی، احمد، «بازخوانی اصول تعلیم و تربیت در نظام فکری روسو»، ماهنامه آموزش و پرورش، سال دوم، دوره ۴۵، باز چاپ ۱۳۸۸، رشد معلم، ش ۲، ۱۳۵۴ ش.
- شاتو، ژان، مربیان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
- غفاری، ارسلان، «بررسی رابطه آزادی و انضباط در فرایند تربیت از دیدگاه کانت و روسو»، پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، سال اول، ش ۱، ۱۳۹۴ ش.
- کانت، امانوئل، تعلیم و تربیت، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش.
- همو، درس‌های فلسفه اخلاق، ترجمه منوچهر صانعی، تهران، انتشارات نقش و نگار، ۱۳۸۰ ش.
- کاپلستون، فردریک، کانت، ترجمه منوچهر بزرگمهر، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۰ ش.

همو، تاریخ فلسفه (از ولف تا کانت)، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵ ش.

مایر، فردریک، تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ترجمه علی اکبر فیاض، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۲ ش.

Boyd, W., *Emile For Today*, The Emile of Jean-Jacques Rousseau, London, Heinmann, 1975.

Claydon, F. L., *Rousseau on Education*, London, The Macmillan Company, 1969.

Kant, E., *Education*, Annet Churton(tran.), The University of Michigan Press, 1991.

Morel, C, *ABC de la Psychologie de l'enfant: de la naissance à l'adolescence*, Grancher, Paris, 1999.

Ryan, A. B., *Jean- Jacques Rousseau and Behavior Control: The Technology for a Romantic Behavior*, Guelph, Ontario, Canada, University of Guelph, 1976.

Sortard, M., "Jean- Jacques Rousseau", *Perspectives*, 1994.

Wise, E. J., *The History of Education*, New York, Sheed and War, 1964.